

مبانی فقهی اندیشه سیاسی آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی)

در خصوص رابطه با آمریکا

دکتر امان الله علیمراد^۱
زهرا گروهی^۲

چکیده

اندیشه های سیاسی برپایه مبانی خاصی استوارند؛ اندیشمندان سیاسی در چارچوب این مبانی که همواره ریشه در دین یا مکتب خاصی دارند به ارائه عقاید خود می پردازند. امام خامنه ای به عنوان یک اندیشمند اسلامی دارای اندیشه های سیاسی مبتنی بر دین می باشند که متأثر از ابعاد گوناگونی است. یکی از این ابعاد، جنبه فقهی این اندیشه هاست که کمتر مورد توجه محققین واقع گردیده است. در مقاله حاضر مبانی فقهی سیاست رابطه با آمریکا از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. به موجب این مبانی هرگونه سلطه، ایراد ضرر و یا ظلم از جانب بیگانگان بر مسلمانان بر اساس مبانی چندی چون قاعده نفی سبیل، قاعده لاضرر و قاعده عدم تعاون بر اثم و عدوان منتفی است. در اندیشه سیاسی ایشان این مبانی، از راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف والای انقلاب اسلامی محسوب می گردد که سیاست رابطه با آمریکا بر همین اساس چاره اندیشی می شود.

کلید واژه ها: اندیشه سیاسی، مبانی فقهی، رابطه سیاسی، آمریکا، امام خامنه ای

(۱) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان: Alimorad479@yahoo.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی.



طرح مسئله

بحث ارتباط یا عدم ارتباط با آمریکا در این روزها از بحث‌های مطرح بین صاحب‌نظران و اربابان جراید است. نوع رابطه آمریکا با ایران از اولین حضورش در ایران که به سال ۱۲۶۱ هجری شمسی برمی‌گردد تا یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که به طور رسمی این رابطه قطع گردید به صورت تدریجی از حضوری کم‌رنگ که در حد آموزش و درمان بوده به سوی حضوری پررنگ، تأثیرگذار و در نهایت روابط حسنه در زمان حکومت پهلوی شکل گرفت که می‌توان حسنه بودن این روابط را به نقش کلیدی آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و تلاش این دولت در حفظ تاج و تخت سلسله پهلوی عنوان نمود. یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام این رابطه از سوی آمریکا قطع گردید. اما این اتفاق تنها علت تداوم این سیاست از سوی ایران نبود، بلکه امام خمینی (ره)، با تأسیس حکومت جمهوری اسلامی، بر اساس قاعده نفی سییل، سلطه هر بیگانه را بر مسلمانان نفی فرمودند. این قاعده که تا آن روز بیشتر در مسائل حقوقی و احکام اجتماعی خانواده کاربرد داشت؛ امام خمینی (ره) ادله آن را به مسائل سیاسی و حکومتی نیز کشاند. پس از ایشان امام خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی کشور ایران در خصوص رابطه ایران با آمریکا همان خط مشی حضرت امام را در پیش گرفته و در تمامی رخدادهای سیاسی دنیا هرگز قائل به تغییر این تصمیم نبوده‌اند.

هرچند از زوایا و دیدگاه‌های گوناگونی به این موضوع پرداخته شده، اما تبیین مبانی فقهی و شرعی ارتباط و یا عدم ارتباط با بیگانگان و از جمله آمریکا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده بیشتر پژوهش‌هایی که در خصوص عدم رابطه ایران با آمریکا تدوین گردیده به بررسی موضوع از زاویه سیاسی تاریخی پرداخته‌اند.

باتوجه به اهمیت مسئله ایران و آمریکا در جامعه کنونی ایران و حتی سطح بین‌الملل شایسته



است این موضوع از منظر فقه و مبانی فقهی که مهم ترین رکن اتخاذ این سیاست محسوب می گردند مورد بررسی قرار گردد. در این تحقیق سعی شده تا علاوه بر شناخت تعارضات و اختلافات وسیع بین دیدگاه های سیاسی اسلامی و چارچوب های سیاسی آمریکا، مبانی شرعی و فقهی تفکر سیاسی عدم ارتباط با آمریکا از جانب رهبر سیاسی و مذهبی (ولایت فقیه) نیز تبیین گردد. این تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی می باشد که مبتنی بر روش تحلیل و استنباط است و از طریق کار کتابخانه ای و فیش برداری، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

کلیات و مفاهیم :

مبانی فقهی: مبانی یا قواعد فقه فرمول های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند. قواعد فقهی چنان نیستند که واسطه و وسیله استنباط و کشف احکام گردند، زیرا قواعد فقه خودشان «احکام» هستند نه واسطه ای برای کشف، ضمن اینکه عام و شامل هستند نه خاص و موردی (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲).

فقه سیاسی: شامل آن دسته از مباحث حقوقی می شود که تحت عناوینی چون حقوق اساسی و حقوق بین الملل و نظایر آن مطرح می گردد. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۵۱: ۲).

اندیشه سیاسی: مجموعه ای از آراء و عقاید که به شیوه ای عقلانی، منطقی و مستدل درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می گردد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۳۹: ۱۵).

رابطه سیاسی: رابطه بین دو یا چند کشور با یکدیگر که تعاملات دو طرفه را ایجاد می کند و جنبه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و.. را شامل می شود (همان: ۸۷).

آمریکا: کشوری در آمریکای شمالی که نظام حکومتی آن در چارچوب قانون اساسی و بر اساس سیستم جمهوری فدرال بنیان نهاده شده است. این کشور در سال ۱۷۷۶ میلادی (۱۱۵۵ هجری شمسی)، در پی اعلام استقلال و اتحاد ۱۳ مستعمره سابق بریتانیا شکل گرفت و پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به عنوان یک ابرقدرت منحصر به فرد درآمد (سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا).



آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی جهت ایجاد و حفظ و گسترش این عنوان در عرصه بین الملل همواره سعی داشته از جایگاه بهتری در نظام بین الملل برخوردار بوده و دامنه منافع ملی خود را افزایش دهد.

«سیاست خارجی آمریکا در طول حیات خود بر پایه یا متأثر از یک و یا ترکیبی از سه مکتب: هامیلتونیسیم، جکسونیسیم و ویلسونیسیم بوده است. به علاوه، ماهیت و ساختار نظام بین الملل، تصمیم سازان مانند: لابی ها، افکارعمومی و رسانه ها و به تبع آن، گفتمان های مسلط بر دولت های مختلف آمریکا، دوره های گوناگون سیستم روابط و تعاملات بین المللی این کشور را شکل داده اند.» (خلیلی، ۱۳۸۱: ۹).

۱ - مکتب هامیلتونیسیم: این مکتب که اولین مکتب فکری سیاست خارجی آمریکا بوده بر مبنای دو اصل «حفظ محوری» از راه تعادل قوا و «بسط محوری» از طریق ارائه الگوی جهانی متکی می باشد. به اعتقاد این مکتب این کشور باید آن قدر از درون خود را تقویت و ارزش های خویش را توسعه بخشد که بتواند الگو و سرمشق دیگرکشورها شده و از این طریق ارزش های آمریکایی را جهانی نماید (همان: ۱۰).

۲ - مکتب جکسونیسیم: مبنای اصلی این مکتب، منافع ملی کشور آمریکاست. این مکتب دارای درون مایه ای واقع گرا و بیشتر مبتنی بر اصل قدرت می باشد. درون مایه این مکتب، به دور از آرمان های منجیانه و اهداف ایده آلیستی است. مهم ترین محورهای آن حفظ منافع ملی، حفظ و گسترش آمریکا به عنوان یک ابرقدرت و حفظ امنیت و ارزش های آمریکایی است (همان).

۳ - مکتب ویلسونیسیم: این مکتب مانند مکتب هامیلتون برای جهانی شدن ارزش های آمریکایی و آمریکایی شدن جهان اهمیت بالایی قائل است. اما برخلاف هامیلتونیسیم، این امر را از طریق ماجراجویی های خارجی و ملاحظات نظامی در نقاط مختلف جهان پیگیری می کند. مبنای این مکتب عبارتند از: مداخله در نقاط مختلف جهان جهت بازسازی جهان مطابق با الگوی آمریکایی، دگرگونی در نظام جهانی و تغییر جهان براساس الگوی آمریکا (همان: ۱۳-۱۱).

« سه مکتب فکری فوق همگی قبل از جنگ جهانی اول شکل گرفتند و بعد از آن دکترین ها و استراتژی های امنیت ملی آمریکا از یک یا ترکیبی از این سه مکتب متأثر بوده است. با توجه به جهت گیری های خارجی هر یک از مکاتب سه گانه، چنین بر می آید که سه مکتب مذکور؛ شالوده و اساس سیاست و روابط خارجی آمریکا را در جهان شکل داده اند.» (همان: ۱۴).

دکترین های آمریکا در روابط خارجی

«دکترین ها و استراتژی های برخی از رؤسای جمهور آمریکا از جمله: روزولت، ترومن، نیکسون، ریگان، بوش، کلینتون و جورج بوش که از مصادیق بارز انطباق مبانی سیاست خارجی آمریکا با یک یا ترکیبی از مکاتب سه گانه مذکور می باشند.» (خلیلی ۱۳۸۱، ۱۴). علاوه بر مکاتب و دکترین های فوق، عوامل دولتی و غیر دولتی دیگر نیز بر سیاست خارجی آمریکا نقش بسزایی دارند:

عوامل دولتی:

- ۱ - در قوه مجریه؛ وزارت خارجه، پنتاگون و ستاد تخصصی و مشورتی ریاست جمهوری که تحت تأثیر مکاتب جکسونیسم است.
- ۲ - در قوه مقننه: کنگره (مجلس نمایندگان سنا) که دارای گرایش های شدید ویلسونی است.

عوامل غیر دولتی:

- ۱ - لابی ها (در خصوص ایران لابی های یهودی به ویژه ایپاک و لابی نفت).
- ۲ - محققان و روشنفکران.
- ۳ - مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی مانند شورای روابط خارجی آمریکا و موسسه واشینگتن.
- ۴ - رسانه ها .

۵ - افکار عمومی که تحت تأثیر مکتب هامیلتونیسم است (خلیلی، ۱۳۸۱: ۲۰ و ۲۱).

با نگاهی گذرا بر سیاست خارجی آمریکا و اساس و پایه های این سیاست ها و همچنین عوامل مؤثر بر این سیاستها می توان چنین استنباط کرد از نظر ایدئولوژیست ها، سیاسیون و

نخبگان سیاسی آمریکا ارزش های آمریکایی، منافع آمریکایی و آمریکایی کردن جهان محورهای اساسی سیاست خارجه آمریکا است که به هر شکل ممکن باید تحقق یابند. این تفکر سیاسی که زیربنای سیاست آمریکایی است خبر از نوعی اندیشه خودخواهانه و برتری طلبانه در عرصه بین الملل می دهد که به تبع رفتارهای استکباری را به دنبال دارد.

در تاریخچه روابط ایران و آمریکا می توان این نوع رفتارها را به روشنی یافت. تاریخ روابط ایران و آمریکا که به دو بخش عمده روابط قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و روابط پس از آن تقسیم می گردد در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رویکردی تعاملی داشته اما پس از پیروزی انقلاب کاملا برعکس و با رویکردی تقابلی همراه بوده است که نشان از وقوع شکاف عظیم ایدئولوژیکی بین دو کشور است. در بخش تقابلی سیاستها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱ - طرح کودتا : کودتای نوژه.
 - ۲ - مداخلات نظامی: الف) - حمله نظامی به طبرستان، ب) - سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران.
 - ۳ - حمایت از دشمنان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران:
الف: حمایت آمریکا از عراق در طی جنگ تحمیلی علیه ایران؛
ب: حمایت آمریکا از گروهک های ضد انقلاب؛ ج: حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی
 - ۴ - تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران:
الف) اتخاذ تحریم های همه جانبه بر ضد ایران؛ ب) جلوگیری از استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای؛ ج) تبلیغات و جنگ روانی علیه ایران
- ۱- تبلیغ نقض حقوق بشر در ایران؛ ۲- تبلیغ ساخت سلاح هسته ای، میکروبی و شیمیایی توسط ایران؛ ۳- تبلیغ حمایت ایران از تروریسم.

۱- قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان:

قاعده حرمت تعاون بر اثم و عدوان از قواعد مشهور فقهی است که برخی از « فقهای متأخر» به این موضوع تحت عنوان «قاعده اعانه بر اثم» اشاراتی داشته اند. از آن جمله مرحوم نراقی در کتاب عوائدالایام، فاضل لنکرانی در کتاب القواعد الفقهیه و نیز مرحوم بجنوردی « (محقق داماد ۱۴۰۶، ۱۷۱/۴) مستندات این قاعده، کتاب - روایت - عقل و اجماع است .

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده آیه ۲): در نیکی و پارسایی همدستی کنید نه در گناه و ستمکاری؛ و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است. این آیه از مشهورترین مستندات این قاعده در نزد فقهاست. برخی از فقها صیغه نهی لاتعاونوا را ظاهر در حرمت تعاون بر اثم و عدوان دانسته اند و «از این آیه شریفه حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در این آیه تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد.» (محقق داماد ۱۴۰۶، ۱۷۱:۴).

از بین روایات نیز می توان به روایت نقل شده از رسول اکرم (ص) اشاره کرد: «من اعان علی قتل مسلم و لو بشطر کلمه، جاء یوم القیامه مکتوبا بین عینیه: آیس من رحمه الله؛ هر کس در کشتن فرد مسلمانی حتی در نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه‌ای برمی خیزد که گویی بر پیشانی او نوشته شده از رحمت پروردگار مهربان مأیوس است» (موسوی بجنوردی ۱۴۰۱ق: ۳۰۳/۲). مبانی سوم این قاعده عقل است: «همچنان که انجام منکر عقلا قبیح است و همچنان که امر به آن و تشویق به سوی آن عقلا قبیح است، انجام مقدمات برای منکر، هم قبیح است. به خاطر همین، قوانین عرفی عهده‌دار وضع مجازات برای معین جرم هستند. پس اگر کسی سارقی را در سرقت کمک کند یا با او در مقدمات آن همکاری کند، در نظر عقلا و قوانین کیفری مجرم است؛ که نظیر آن در شرع وارد شده است؛ (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۷۱/۴ به نقل از دراسات فی المکاسب المحرمه).

و نهایت اینکه «فقها بر حرمت اعانت بر اثم اجماع دارند؛ ولی با وجود آیه و سایر دلایل (روایات، عقل) اجماع فاقد اعتبار است. این اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی دلیلی مستقل نیست.» (همان).

بَر و تقوا در جهان سیاست

«عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه در جهت رشد و ارتقای بشری مصادیق بارز بَر در مقیاس جهانی است. مبارزه با سلطه، استثمار، نژادپرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیکتر شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا محسوب می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۶۶۰/۳).

اِثم و عدوان در جهان سیاست

متأسفانه در دنیای کنونی نه تنها دولتهای استکباری و استبدادی در دشمنی ورزیدن و عدم رعایت اصول اخلاقی و انسانی در برابر کشورهای ضعیف تر مصداق اثم و عدوان در جهان هستند بلکه در قوانین بین المللی که توسط سازمان های بین المللی وضع می گردند نیز رگه هایی از اثم و عدوان و حتی تعاون در این امور به خوبی دیده می شود. «ماده ۷۳ منشور ملل متحد در زمینه سرزمینهای غیر خود مختار و ماده ۷۵ تا ۸۵ در مورد نظام قیمومت بین المللی نوعی تحقیر انسان و راه نفوذی برای سرکوب مبارزات استقلال طلبانه را باز گذارده است، و این حقیقت تلخ را می توان از لابلای حادثه تاریخی قیمومت انگلستان بر فلسطین مسلمان و سرانجام آن که به تشکیل دولت غاصب و اشغالگر اسرائیل و رانده شدن ۲ میلیون فلسطینی مسلمان و صدها مشکل دیگر برای جهان اسلام منتهی شد، به وضوح مشاهده نمود. (همان، ۴۷۰ به نقل از سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار).

۲- قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد که فقها در ابواب فقهی خود به آن استناد می کنند قاعده لاضرر می باشد. در مفهوم ضرر به عباراتی چون خلاف نفع (صحاح اللغت و امام خمینی) سوء حال (صاحب قاموس و راغب اصفهانی) عمل ناپسند (مصباح المنیر) اشاره شده است اما در مفهوم ضرار به نظر امام خمینی (قدس سره) کلمه «ضرار» نیز دارای معانی مختلفی است. «ضرار» بر وزن فعال مصدر باب مفاعله است. باب مفاعله دلالت بر اعمال طرفینی می کند.

پس ضرار که مصدر باب مفاعله است مبین امکان ورود ضرر بر دو جانب است، بر خلاف «ضرر» که همیشه از یک طرف علیه طرف دیگر وارد می شود» (محقق داماد، ۱۳۸/۱).

مستندات این قاعده کتاب، روایات و عقل است. از آیات می توان به آیه ۲۳۳ سوره بقره: «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» یعنی هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند. طبق این آیه، از جمله مادران، نهی شده اند که با قطع شیر، موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند، اشاره کرد و همچنین آیه ۲۳۱ سوره بقره: «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا»؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید؛ و هیچ گاه بخاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید (همان: ۱۳۲/۴).

بالاخره عقل که مبانی دیگر این قاعده است «مهمترین دلیل قاعده لاضرر عقل می باشد. بی تردید بنای عقلا در این امر محقق است که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپسند است و ثانیاً عامل زیان در مقابل زیان دیده مسئول پرداخت خسارت است و لذا این اصل در کلیه سیستم های حقوقی پذیرفته شده و در مورد چنین بنایی از ناحیه شرع مقدس، ردع و منعی واصل نشده که از این رهگذر، امضای شارع احراز می گردد.» (همان: ۱۵۱/۱).

قاعده لاضرر صرفاً جنبه حقوقی و اجتماعی را شامل نمی‌گردد بلکه در عرصه بین الملل از قواعد مهم و کاربردی سیاسیون اسلامی است. از آن جمله می‌توان به بیان امام خمینی در کتاب «الرسائل» اشاره کرد که در ذیل تبیین فرق بین ضرر و ضرار آورده شده است: «غالب استعمالات ضرر و مشتقات آن مالی یا نفسی است، ولی کاربرد ضرار و مشتقاتش در تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت شایع و رایج است. پس ضرار به معنای اخیر غلبه دارد. در قرآن مجید هم هر جا کلمه ضرر استعمال شده به معنای ضرر مالی و جانی آمده است؛ ولی هر جا کلمه ضرار آمده به معنای تضییق و ایصال حرج است؛ مانند آیه شریفه «لَا تُضَارَّ وَالِدَهُ وَبَوْلَهَا» و آیه نازل شده در خصوص مسجد ضرار» (همان: ۱/۱۳۹). وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَ... در کتاب تفسیر نمونه ذیل تفسیر این آیه به اهداف شوم منافقان اشاره شده است :

۱ - منظور آنها این بود که با این عمل ضرر و زیانی به مسلمانان برسانند «ضرار» به معنی زیان رساندن تعمدی است، آنها در واقع درست به عکس آنچه ادعا داشتند که هدفشان تأمین منافع مسلمانان و کمک به بیماران و از کار افتادگان است، می‌خواستند با این مقدمات پیامبر اسلام را نابود و مسلمانان را در هم بکوبند و حتی اگر توفیق یابند نام اسلام را از صفحه‌ی جهان براندازند؛

۲ - تقویت مبانی کفر و بازگشت دادن مردم به وضع قبل از اسلام؛

۳ - ایجاد تفرقه در میان صفوف مسلمانان، زیرا با اجتماع گروهی در این مسجد، مسجد «قبا» که نزدیک آن بود و یا مسجد پیامبر (ص) که از آن فاصله داشت از رونق می‌افتاد (وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ)؛

۴ - آخرین هدف آنها این بود که مرکز و کانونی برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوابق سوءاش بر همگان روشن بود بسازند تا از این پایگاه نفاق، برنامه‌های خود را عملی سازند (وَ اِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللّٰهُ وَ رَسُوْلَهُ مِنْ قَبْلُ). ولی عجب این است که تمام این اغراض سوء و اهداف شوم را در یک لباس زیبا و ظاهر

فریب پیچیده بودند، «و حتی سوگند یاد می کردند که ما جز نیکی، قصد و نظر دیگری نداشتیم» (وَ لَيَحْلِفَنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنٰی).

۳- اصل لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ

این اصل مستفاد و متأثر از آیات مختلفی از قرآن مبنی بر نفی ظلم کردن و ظلم پذیری است. «در اسلام ستم پیشگی و ستم پذیری هر دو محکومند، بنابراین ظلم و ستم به دیگر کشورها بنام منافع ملی و به بهانه حفظ نظام و حکومت مردود است. همان گونه که تن به ظلم دادن به هر بهانه ای محکوم می باشد. «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» چرا که بقاء هر حکومتی به عدل است» (ولایی، ۱۳۷۷: ۴۵۵).

هر نوع ستمی بازتابی نسبت به خود ستم کننده و یا ستم پذیرنده دارد: فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ، (اعراف: ۹). راه ستم، راه نابودی است، و ستم سرانجام ارزشهای بشری را نابود می کند: وَ تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا (الکهف: ۵۹) خداوند هرگز بدی و ستم به بندگانش روا نمی دارد، این، خود انسان است که با ظلم، زمینه پدیده های نامطلوب و ستم به خویشان را فراهم می آورد: فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ، النوبه: ۷۰ عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۴۱۷/۳). در پاره ای از روایات نیز خودداری از حمایت و کمک به مظلوم حق طلب به مثابه بیرون آمدن از حدود اسلام و کرامت ایمانی تلقی شده است: مَنْ سَمِعَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمٍ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ حرعاملی، (۵۹۰/۱۸). یعنی کسی که ندای مسلمانی را برای کمک طلبی بشنود و او را یاری ندهد، مسلمان نیست..

اصل لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ در سیاست:

در دنیای امروزی استکبار با سیاستهای سلطه طلبانه در جهت منافع خود سعی در استضعاف و استعمار کشورهای ضعیف تر می کند و این شیوه فرعونی از همان ابتدا بوده و هر چه بر علم و صنعت بشر افزوده می شود، این شیوه رفتاری شکل جدیدتر و مدرن تری می گیرد.

علمی که راههای هر چه محروم تر کردن ملت‌های ضعیف را باز می‌کند. و نیز جهلی که ستم دیدگی و ستم زدگی را بر ملت‌های مستضعف تحمیل می‌کند، ظلم است... تلاش بیشتر برای به یغما بردن آنچه که مال همگان است و یا متعلق به دیگران، و همچنین از پای نشستن و به حقوق خویش بی‌اعتنا بودن ظلم است و در تمامی این موارد و نظایر آن ظلم، تاریکی است و خاموشی نور و وضع «لشیء فی غیر موضعه» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۴۲/۳).

۴ - قاعده نفی سبیل

قاعده نفی السبیل از قواعد مهم فقهی اسلامی است که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند که حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است (جمعی از مولفان، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۳۵).

مستندات قاعده نفی سبیل

الف - آیات: آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (النساء، ۱۴۱) این فراز از آیه در واقع نوید مسدود بودن راه سلطه کافر بر مسلمان را از جانب خداوند می‌دهد و این مفهوم که با تأکید فراوان همراه است به عنوان قاعده ای فقهی در بین فقها مشهور است با عنوان «قاعده نفی سبیل».

ب - روایات: قال رسول الله (ص): «الْإِسْلَامُ يَعْلُوا وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» (مجلسی، ۴۷/۳۹).
فقها برای تثبیت تفسیر خود به آیه، به حدیث مشهور: «لِلْإِسْلَامِ يَعْْلُوا وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» (قمی، ۱۴۱۳: ۲۴۳/۴). در ألسنه فقها استناد کرده‌اند که هر چند سند معتمدی ندارد، اما از نظر فقها تلقی به قبول شده، تا جایی که برخی گفته‌اند، همین استناد به حدیث در کتب ما را از بررسی و ملاحظه سند بی‌نیاز می‌کند (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۵۳/۲).

ج - اجماع: «عمده دلیل بر مسئله - عدم ولایت کافر بر مسلمان - اجماع است چون



این مسئله بین عامه و خاصه مسلم، و جزء اصول مسائل و از مسائل کثیر الابتلاء است نه یک مسئله جزئی و اجماع فقها در مسائل اصولی که منتهی به زمان معصوم شود اگر خلاف آن نرسیده باشد حجّت است و تقریر معصوم برای اثبات حکم کافی است، هر چند دیگران به استناد ادله، فتوا داده و ما در تمام آنها خدشه کنیم ولی حکم مسئله مورد امضای شرع واقع شده و آن را رد نکرده‌اند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ۴۳۶۸/۱۲، به نقل از شیخ انصاری (ره)).

جایگاه قاعده نفی سبیل در حوزه سیاست خارجی

الف) استقلال: اقامه قسط و عدل که از اساسی ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی است (وَ أَقِيمُوا الْأُوزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (الرحمن، ۹ و اَعِدُّوا لَهُ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى الْمَانِدَةِ، ۸). و نیز استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که از اصول اهداف مقدس محسوب می‌شود (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا نِسَاءً، ۱۴۱) و همچنین همبستگی ملی و اتحاد جامعه اسلامی که آرمان های مردمی و اسلامی است (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، ۱۰۳). باید بر اساس این خط مشی های کلی برنامه‌ریزی و اجرا گردد، و به هیچ وجه قداست و اصالت اهداف و آرمان های اساسی نمی‌تواند مجوزی و بهانه‌ای برای تخطی از خطوط مزبور و خدشه دار نمودن روشهای سه‌گانه نامبرده باشد» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ۲۰۹/۱).

ب) مبارزه با فساد سیاسی ناشی از سلطه استکبار بر اساس قاعده نفی سبیل: «فساد سیاسی عوامل مختلف دارد، ولی عمده ترین این عوامل استبداد داخلی و سلطه خارجی است، که معمولاً این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و ریشه هر دو را نیز باید در ماهیت استکبار جستجو نمود. از نظر قرآن در کنار مبارزه برای استکبارزدایی، نباید از پیکار جهت نفی سلطه و استبداد غافل ماند، زیرا گاه ریشه کن نمودن استکبار به شرایط و برنامه‌های زمانبندی شده احتیاج دارد، که در این فاصله، مبارزه برای نفی مظاهر سلطه و استبداد نباید متوقف گردد، و تحمل هر گونه استبداد و سلطه بیگانه حرام می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ۲:۱۴۰).



ج) رابطه سیاسی و دیپلماتیک بر اساس قاعده نفی سبیل: «هرگونه ارتباطی که موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود بی‌تردید در شریعت اسلام مورد نهی قرار گرفته و خداوند همواره مسلمانان را به جهاد با کفار و منافقین و تجهیز نیرو برای مقابله با آنان دستور فرموده، از سوی دیگر در کنار این آیات و روایات، ادله دیگری نیز آمده که دلالت بر نرمش و لزوم خوش‌رفتاری با آنان را دارد، البته در صورتی که با مسلمانان به جنگ و قتال برنخیزند و قصد بیرون راندن مسلمانان را از دیارشان نداشته باشند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴: ۷۲/۴۶). «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس تسلط بر حوزه اسلام شود ترک این روابط بر تمام مسلمانان واجب می‌شود. اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد، برقراری روابط، حرام است و پیمانهایی که بسته می‌شود باطل است»، (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۱۸۵/۱)

د) قاعده نفی سبیل و مبارزه با استکبار: «اسلام، استکبار و سیاست سلطه را به عنوان عامل اصلی مداخله‌های تجاوزکارانه تلقی می‌کند و بر این اصل اصرار می‌ورزد که نابود کردن سیاست‌های استکباری تنها راه خاتمه دادن به مداخله در امور داخلی مربوط به ملت‌هاست. قرآن، تحمیل و زور را بعنوان خمیرمایه اصلی دخالت، نفی می‌کند لای‌اکراه فی‌الدین (البقره: ۲۵۶). و سلطه طلبی را که ریشه مداخله است مردود می‌شمارد و لَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (النساء، ۱۴۱) و هر نوع سیطره‌جویی را که خدشه‌ای در اراده بشری ایجاد کند ممنوع دانسته لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِطِرٍ (الغاشیه، ۲۲) و فرمانروایی و جباریت را نهی کرده و مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ (ق، ۴۵) و به جای دیگران تصمیم گرفتن را نفی نموده است وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (الانعام، ۱۰۷) و خود را حافظ و نگهبان دیگران فرض کردن و بر این اساس مداخله در امور اختصاصی دیگران روا داشتن را مردود شمرده است وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (هود، ۸۶) (عمید زنجانی ۱۴۲۱: ۴۸۳/۳).

باتوجه به مبانی ذکر شده فوق می‌توان گفت مهمترین این قواعد در بحث سیاست

خارجی و روابط بین الملل قاعده نفی سبیل است که گستره وسیعی در فقه و قوانین بین المللی دارد.

یافته های تحقیق

جایگاه قاعده نفی سبیل در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص رابطه با آمریکا :

امام خامنه ای با بیان مصادیق بارز قاعده نفی سبیل، جایگاه این اصل را در نظام جمهوری اسلامی بیان می نمایند «مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات»؛ نفی استثمار، نفی سلطه پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی نفی می کند. یک چیزهایی را هم اثبات می کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله های دانش (۸۷/۹/۲۴).

مذاکره یا رابطه ایران با آمریکا در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی):

امام خامنه ای رابطه یا مذاکره با آمریکا را امری ناصواب عنوان نموده اند. «وضع کنونی (قطع رابطه ما با آمریکا) اول این را بیان می کند که این وضع، نتیجه رفتار و وضع طبیعی استکبار امریکایی است؛ در واقع، نتیجه مظلومیت ملت ایران است. حرف دوم این است که مذاکره با آمریکا، هیچ فایده ای برای ملت ایران ندارد. حرف سوم این است که مذاکره و رابطه با آمریکا، برای ملت ایران ضرر دارد.» (۷۶/۱۰/۲۶).

ایشان قطع رابطه ایران و آمریکا را نتیجه رفتارهای استکباری آمریکا دانسته است؛ یعنی استدلال ایران جهت این قطع رابطه، مبارزه با استکبار و مظاهر آن است پس می توان قاعده نفی سبیل را به عنوان یکی از قواعد مهمی که مفاد و مناظر آن نفی هر گونه سلطه و استکبار است

زیربنا و مبنای فقهی سخن معظم له دانست؛ ضمن اینکه نتیجه این استکبار را مظلوم واقع شدن ملت ایران عنوان نموده اند بنابراین عدم رابطه با آمریکا یعنی قطع سلطه آمریکا و نفی هر گونه زیاده خواهی و زورگویی و در نتیجه حرکت جهت دار در مسیر نظام لا تظلمون و لا تظلمون. با استنباط از سخن امام خامنه ای که در بالا ذکر شد می توان علل قطع رابطه ایران با آمریکا را از منظر ایشان در سه محور مورد بررسی قرار داد:

۱- رفتارهای استکباری آمریکا؛ ۲- بی فایده بودن رابطه با آمریکا؛ ۳- مضر بودن رابطه با آمریکا

۱- رفتارهای استکباری آمریکا :

مفهوم استکبار و رفتارهای استکباری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

در مورد مبارزه با استکبار و مستکبر آیات فراوانی نازل شده که همگی گواهی بر مذمت این رفتار می دهند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود در مذمت استکبار استدلال قرآنی می آورند: «البته استکبار، معنای وسیعی دارد. ... یعنی کسی که کبر می ورزد و خود را بالاتر از دیگران می داند، حالا در رفتار خود با دیگران هم، جوری کار را سازماندهی می کند که این تکبر در عمل مشخص و واضح می شود، دیگران را تحقیر می کند، به دیگران اهانت می کند، در کار دیگران دخالت می کند، برای دیگران به عنوان تصمیم گیرنده ظاهر می شود، این می شود استکبار» (۷۵/۸/۹).

ایشان حتی با بیان آیات قرآنی دیدگاه خود را تحکیم می بخشند: « این، معنای استکبار است که در آیه ی کریمه قرآن هم، آن جایی که درباره ی مستکبران سخن می گوید، می فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ». (فاطر، ۴۲ و ۴۳)؛ یعنی در مقابل پیامبر (ص) و حرف حق، استکبار ورزیدند. نگفتند ما بالاتریم؛ بلکه این بالاتر بودن را، این بیشتر حق داشتن یا برای خود حق بیشتری قائل بودن را، در عمل سازماندهی کردند؛ یعنی همان جنگ های طولانی جبهه کفر و عناد با جبهه پیام حق معنویت و نور و هدایت. استکبار، یعنی این.» (۷۵/۸/۹).

در مطالب گذشته به مفهوم تکبر و استکبار در قرآن اشاره کردیم و اموری چون: تحقیر و اهانت به دیگران، مداخله در امور دیگران و تصمیم گرفتن برای دیگران از آثار و مصادیق استکبار معرفی نمودیم. حال آنکه این خصائص محور سخنان رهبری در تبیین مقوله استکبار می باشد و کاملاً مشهود است که حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در معرفی استکبار همواره گفتاری بر مبنای دین و شرع داشته اند. معظم له همواره در بیانات خود، سیاستهای آمریکا در قبال ایران، در طول تاریخ را ذکر کرده و از آنان به سیاستهای استکباری یاد کرده اند که نشان از ورود ایشان در عرصه مبارزه با استکبار با هدف روشننگری دینی در مقیاس جهانی می باشد. استکبار و سلطه که مهمترین گزینه ها در تقابل قاعده نفی سبیل و اصل *لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تُطْلَمُونَ* است در سخنان ایشان فراوان آمده است.

کودتا: «جالب این است که بدانید حکومت مصدق که به وسیلهی آمریکایی ها سرنگون شد، هیچ گونه خصومتی با آمریکایی ها نداشت... شاید اظهار کوچکی می کرد. با این دولت، آمریکایی ها این کار (کودتا) را کردند. این جور نبود که دولتی که در تهران سر کار است، یک دولت ضد آمریکایی باشد؛ نه، با آنها دوست بود؛ اما منافع استکباری اقتضا کرد، آمریکایی ها با انگلیسها همدست شدند... عنصر اصلی کودتا در تهران، یک فرد آمریکایی بود... بعد که کودتا را به ثمر رساندند و شاه را که فرار کرده بود، به اینجا برگرداندند، شدند همه کاره ی کشور؛ یعنی زمام اختیار کشور را در دست گرفت» (۹۱/۸/۱۰). مواضع رهبر انقلاب در برابر اعمال کودتا توسط آمریکا همان مواضع ایشان در برابر استکبار و رفتارهای استکباری است؛ بدین معنا که کودتا از کنار هم گذاشتن سه سیاست مداخله گری، سلطه طلبی و منفعت جویی حاصل می گردد که این سه از خوی متکبرانانه آمریکا نشأت گرفته می شود. قاعده نفی سبیل مهمترین قاعده ای است که اجازه سلطه سلطه گران و مستکبرین را بر بلاد مسلمانان نمی دهد.

حمله نظامی: ایشان رفتار استکباری را منشأ بروز رفتارهای ظالمانه و خشونت بار معرفی می نمایند و به مذمت این رفتار می پردازند: «اینکه امروز مشاهده می کنید

آمریکایی‌ها با خونسردی تمام، از کشتار هزاران انسان حرف می‌زنند و انفجار بمب در هیروشیما و کشتار هزاران انسان را عادی تلقی می‌کنند و می‌گویند: آن اقدام به مصلحت بود و ما چنین کاری را لازم دانستیم!!، همان روح استکبار است. اگر هواپیمایی را با سرنشینانش ساقط می‌کنند و مورد اعتراض قرار می‌گیرند، می‌گویند: قضیه ای بود که تمام شد، صحبتش را نکنید!!» (۶۸/۸/۱۰). مبنای فقهی این موضع قاعده نفی سبیل مقارن با اصل لا تظلمون و لا تظلمون است.

حمایت از دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران: ذکر مکرر رفتارهای استکباری آمریکا توسط رهبر معظم انقلاب در واقع تعلیل سیاست قطع رابطه ایران با آمریکا است. «یکی از توطئه‌های آمریکا، تشویق عراق به راه‌اندازی جنگ هشت ساله بود؛... ضربات آمریکایی و خنجرزدن‌ها و خیانت‌ها و کودتا درست کردن‌ها و قضیه کودتای پایگاه شهید «نوژه» و قضایای دیگر، پشت سر هم علیه جمهوری اسلامی انجام گرفت و ادامه یافت، تا جنگ تحمیلی شروع شد. در جنگ، به دشمن ملت ایران سلاح دادند. ملت ایران در مقابل این حرکتها و این ظلمهاست که این طور در مقابل آمریکا ایستاده است» (۷۶/۱۰/۲۶).

اتخاذ تحریم‌های همه‌جانبه بر ضد ایران: «تحریم یکی از ابزارها (ابزار شکست) است؛ این ابزار از نظر آنها برای شکست نظام جمهوری اسلامی است. اشتباه آنها این است که ملت ایران را نشناختند، ... لذا امیدوارند بتوانند با تحریم و فشار و امثال اینها، این ملت را به زانو در بیاورند؛ البته [اشتباه می‌کنند] آنچه برای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تجربه‌ی دائمی در طول این ۳۵ سال وجود دارد، این است که تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از اقتدار ملت و ایستادگی ملت؛ این تنها عاملی است که می‌تواند دشمن را عقب بزند.» (۹۲/۸/۲۹).

اقتدار و ایستادگی ملت ایران در سایه اسلام همان مفهوم عزت امت ایران می‌باشد حال اینکه مفهوم عزت از مصادیق علو اسلام و مستفاد از قاعده نفی سبیل است.

جلوگیری از استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای: «بحث سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کنند. خوب، ما سلاح هسته‌ای را نه به‌خاطر زید و عمرو، نه به‌خاطر آمریکا و غیر آمریکا، به‌خاطر عقیده‌مان قبول نداریم؛ هیچ‌کس نباید داشته باشد... اما مسئله‌ی آنها مسئله‌ی دیگری است؛ چون داشتن یک چنین توانی، یک چنین قدرتی، پشتوانه‌ی این نظام «لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» است؛ چالش اصلی اینجا است؛ این را باید شناخت، این را باید دید، در این چارچوب بایستی رویکردهای آمریکا و غرب و ... را تفسیر و تحلیل کرد؛ انقلاب اسلامی این است» (۹۲/۶/۲۶).

رهبر معظم انقلاب ضمن مهم و حیاتی دانستن علم و انرژی هسته‌ای، با بیانی از موضع قدرت اصل لا تظلمون و لا تظلمون را اساس و پایه رفتاری یک کشور مسلمان و قدرتمند به علم هسته‌ای دانسته که با وجود قدرت هسته‌ای هرگز نه به کسی ظلم می‌کند و نه ظلم کسی را می‌پذیرد. نفی ستم‌پذیری نیز یکی از ارکان مهم نفی ستم‌پذیری کافران بر مسلمانان است.

تبلیغ و جنگ روانی ساخت سلاح هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی توسط ایران

«ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (۸۳/۸/۱۵) «جمهوری اسلامی بر اساس مبانی دینی فقهی هیچ‌گاه قائل به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیست» (۸۳/۸/۲۴).

اسلام در مورد جنگ نیز قواعدی دارد و حتی در سخت‌ترین مواقع جنگ اجازه بروز رفتارهای غیرانسانی را نمی‌دهد. به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای مبانی دینی و فقهی جمهوری اسلامی اجازه ساخت چنین سلاحی را نمی‌دهد مبانی چون لا تظلمون و لا تظلمون که مخالف صریح جنگ‌افزایی است که تعداد کثیری از انسان‌های بی‌دفاع و غیرنظامی را در کمترین مدت زمانی نابود می‌کند.

تبلیغ حمایت از تروریسم توسط ایران

مقام معظم رهبری، آمریکا و انگلیس را حامیان تروریست خواندند و به برخی رفتارهای آنان در دهه های اخیر اشاره نمودند: «رژیم ایالات متحدهی آمریکا است که در چند دهه ی اخیر، سیاهه ی بالابلندی از رفتارهای تروریستی و نیز پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از تروریست های سازمان یافته در کشورهای این منطقه، پدید آورده است. حملات مرگبار هواپیماهای بدون سرنشین به خانوارهای بی دفاع در روستاها و مناطق محروم در افغانستان و پاکستان که بارها جشن عروسی آنها را به عزا مبدل کرده است، جنایات بلک واتر در عراق و کشتار شهروندان و نخبگان عراقی، کمک به گروه های بمب گذار در ایران، عراق و پاکستان، ترور دانشمندان هسته ای در ایران با همکاری موساد، سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران در خلیج فارس و کشتن حدود سیصد کودک و مرد و زن مسافر.. گوشه هایی از این سیاهه ی ننگین و فراموش نشدنی است» (۹۰/۴/۳).

«ما با تکیه بر تعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه های آن است و کشتن یک انسان بی گناه در آن به مثابه ی قتل همه انسان ها به شمار می رود، و به عنوان ملتی که در سه دهه ی گذشته متحمل خسارت های سنگین از تروریسم خشن شده است، مبارزه با این پدیده شیطانی را تکلیفی تخلف ناپذیر برای خود می دانیم و تلاش در راه این مبارزه ی بزرگ را با قدرت ادامه خواهیم داد بحول الله و قوته» (۹۰/۴/۳).

از مضمون سخنان فوق می توان فهمید که حضرت آیت الله خامنه ای با بکار بردن مفهوم یکی از آیات قران در رابطه با کشتن انسان در واقع به روشنگری مبانی اسلام در مورد تروریسم در عرصه بین المللی پرداخته و ضمن قربانی تروریست دانستن ایران، مبارزه با تروریست را وظیفه دینی و شرعی بیان نمودند؛ سخنان ایشان در مورد تروریسم بر پایه اصل لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ است؛ زیرا تروریسم که پدیده ای ظالمانه است محصول دست استکبار است.

سیاستهای استکباری آمریکا با ایران که نمونه هایی از آنها ذکر گردید بیانگر این است

که مبنای رفتار سیاسی دو کشور بسیار دور از هم و به عبارت بهتر در تقابل با یکدیگر هستند و با کوتاه آمدن ایران بر سر یک یا چند موضع خود، این تقابل به تعامل بدل نخواهد شد زیرا دو دیدگاه کاملاً متفاوت، پایه و اساس سیاست خارجه این کشورها را پایه ریزی کرده است. چنانکه آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) عنوان می دارند:

«اسلام دین عدل است، اسلام دین انسانیت است، اسلام دین مقابله با بی عدالتی ها و ظلمها و حق کشی هاست. خوب، کسانی که همه ی وجودشان حق کشی است، همه ی وجودشان ظلم است، فلسفه ی پیدایششان سرکوب زدن به انسانها و عواطف انسانها و موجودیت انسانهاست، قهراً از حضور اسلام متوحش می شوند، بیمناک می شوند و با آن مقابله می کنند. علت مقابله ی با جمهوری اسلامی این است» (۱۹/۱۰/۱۹).

۲- بی فایده بودن رابطه با آمریکا :

یکی از مهمترین موانع ایجاد رابطه با آمریکا بی فایده بودن و مضر بودن این رابطه است «رابطه و مذاکره با دولت امریکا، به حال ملت ایران هیچ فایده ای ندارد... البته ضررهایی دارد... اما اصلاً فایده ندارد. کسی که خیال کند اگر ما با امریکا مذاکره کردیم، محاصره اقتصادی و قانون «داماتو» و... از بین خواهد رفت، اشتباه کرده است» (۷۶/۱۰/۲۶). زیرا آمریکا این اقدامات را درقبال دوستان خود نیز اعمال کرده است. «موضع دیگر این است که منفعت کشورهای بی فایده با آمریکا رابطه دارند چیست؟ دولتهایی که امروز آمریکا به اصطلاح وزارت خارجه خودشان، آنها را مجازات میکند مثل چین، روسیه، ترکیه زمان حکومت حزب رفاه... این طور نیست که رابطه با امریکا یا مذاکره با امریکا، مانع از دشمنی آمریکا شود. الان کشورهای هستند که سفارتهایشان در آمریکاست، سفارتهای آمریکا نیز در پایتختهای آنها باز است و فعالیت می کند... اما آمریکا آنها را جزو لیست تروریستهای دنیا معرفی می کند!». (۷۶/۱۰/۲۶).

مهمترین اصل در هر رابطه نتیجه و بازخورد رابطه است در مقابل مذاکره با آمریکا چه چیزی بدست می آوریم و چه باید از دست بدهیم: «مذاکره در عرف سیاسی، یعنی

معامله. مذاکره با آمریکا، یعنی معامله با آمریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی، به آمریکا چه می‌خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آیا می‌دانید که او چه می‌خواهد؟ "وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ". والله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پایبند بودن به اسلام ناب محمدی، ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پایبندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرفراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟» (۶۹/۲/۱۲). علت اسلام هراسی آمریکا این است که اسلام حاوی قوانین و اصولی است که رفتارهای استکباری آمریکا و سلطه این کشور سلطه جو را نفی می‌کند در واقع تمامی مبانی شرعی که مخالفت صریح با استکبار دارند را می‌توان پشتوانه سخنان رهبری دانست که مهمترین آنها قاعده نفی سبیل می‌باشد.

۳ - مضر بودن رابطه با آمریکا

در هر ارتباطی، رابطه اگر منفعت نداشته باشد فایده ای ندارد؛ حال اگر آن رابطه مضر باشد به طریق اولی عاری از منطبق است. «مسئله این است که شرایط این دولت به گونه‌ای است که رابطه‌ی با او برای ما ضرر دارد. انسان رابطه را با هر کشوری به دنبال تعریف یک منفعتی ایجاد می‌کند؛ آنجایی که برای ما منفعت ندارد، دنبال رابطه نمی‌رویم؛ حالا اگر ضرر داشت، به طریق اولی دنبال رابطه نمی‌رویم» (۸۶/۱۰/۱۳).

و تلخ‌ترین واقعیت این است که ضرر آمریکا شامل حال دوستان آمریکا نیز می‌شود: «خیال نکنید که حالا اگر با آمریکا رابطه برقرار شد، یا مذاکره شد، دیگر از سوی آمریکا، اندکی حرف نازکتر از گل هم به جمهوری اسلامی گفته نخواهد شد؛ نه. بسیاری از کشورها با آمریکا رابطه هم دارند، خیلی هم روابطشان علی‌الظاهر در سطح جهانی خوب و صمیمی و مؤدبانه است؛ درعین حال آمریکا هر جایی که لازم باشد، ضربه خودش را می‌زند؛ محاصره اقتصادی می‌کند، تحریم می‌کند!» (۷۶/۱۰/۲۶) رابطه‌ی ای که خطر ضرر و زیان در آن وجود دارد از ابتدا نامعقول است: «رابطه‌ی سیاسی با آمریکا برای ما

مضر است. اولاً خطر آمریکا را کم نمی کند. آمریکا به عراق حمله کرد؛ در حالی که با هم رابطه‌ی سیاسی داشتند، سفیر داشتند؛ ... ثانیاً وجود رابطه برای آمریکائی‌ها وسیله‌ای بوده است برای نفوذ در قشرهای مستعد مزدوری در آن کشور. کسانی که حاضر بودند خودشان را به دشمن بفروشند» (۸۶/۱۰/۱۳). «حالا می نشینند آقایان و راجی کردن و حرف زدن و استدلال کردن، که نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مضر است. نه آقا! نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مفید است. آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم» (۸۶/۱۰/۱۳).

بخشی از سخنان فوق که آیت الله خامنه‌ای در بین دانشجویان ایراد فرمودند اشاره مستقیم دارد به قاعده «لَا ضَرَّ وَلَا ضَرَّارٌ»؛ بدین معنا که هر ارتباطی که مستلزم ضرر و زیان به ملت مسلمان ایران گردد براساس قاعده نفی سبیل منتفی است.

راهکارهای امام خامنه‌ای در خصوص رابطه با آمریکا

ولی امر مسلمین جهان با بیان مکرر مواضع خود در خصوص رابطه با آمریکا در بیانات مختلف، امر رابطه را امری مشروط به تغییر مواضع آمریکا از تمامی سیاست‌های خصمانه خود عنوان نموده‌اند، چون تغییر این مواضع به معنی حذف سیاست سلطه و برتری طلبی می باشد که لازمه یک رابطه مقبول است زیرا در غیر این صورت مانع دینی و شرعی برقراری رابطه، قاعده نفی سبیل خواهد بود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 در این خصوص می توان مضمون بیانات معظم له را در دو محور: الف) خطاب به آمریکا؛ ب) خطاب به ملت ایران بیان نمود.

الف) خطاب به آمریکا: «مسئله این است که اگر آمریکایی‌ها صادقانه می خواهند کار تمام شود، بنده راه حل را ارائه می دهم؛ راه حل این است: آمریکایی‌ها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند، از دشمنی با ملت ایران دست بردارند... سی و چهار سال است که دولتهای گوناگون آمریکا با فهم غلط از ایران و ایرانی، دشمنی‌های گوناگونی را با ما طراحی کرده‌اند. از سال اول پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، اینها با ما دشمنی کردند؛ در زمینه‌ی امنیت،

علیه امنیت ما برنامه‌ریزی کردند؛ حرکات خصمانه انجام دادند؛ علیه تمامیت ارضی ما اقدام کردند؛ از دشمنان ریز و درشت ما در طول سالهای متمادی همیشه حمایت کردند؛ علیه اقتصاد ملی ما فعالیت کردند؛ از همه‌ی ابزارها علیه ملت ایران استفاده کردند؛ و در همه‌ی اینها هم بحمدالله شکست خوردند؛ بنابراین بنده مسئولان آمریکایی را هدایت می‌کنم؛ اگر دنبال راه عاقلانه می‌گردند، راه عاقلانه این است که سیاست خود را تصحیح کنند؛ و دست از دشمنی با ملت ایران بردارند (۹۲/۱/۱).

ب) خطاب به ایران: «این توطئه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد (دشمنی‌ها خواهد بود)، تا یک مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه‌جانبه‌ی کشور که این، کار شما دانشجویها، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه‌ها کم خواهد شد؛ مأیوس خواهند شد» (۸۷/۹/۲۴).

شرط رسیدن به قله‌های پیشرفت از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب

۱ - حفظ آرمانها و اهداف نظام: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (۹۲/۶/۱۴).

۲ - حفظ و ادامه راهبردهایی که ما را به اهداف می‌رساند: «مؤلفه‌ی دوم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف می‌رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون؛ اینکه

فرمود: كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا، (نهج البلاغه، نامه ۴۷) این یک راهبرد کلی است. راهبرد تکیه به آراء مردم و آنچه که مردم سالاری را تشکیل می دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها» (۹۲/۶/۱۴).

البته یکی از عوامل دشمنی آمریکا نیز همین راهبردها است. «خب، نظام سلطه جنگ را، فقر را، فساد را گسترش می دهد، با همان سازوکار مشخص تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم. اسلام (یعنی انقلاب اسلامی که برگرفتهی از همان مفاهیم اسلامی است) می آید می گوید: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ، یعنی همهی این عوامل را نفی می کند؛ چالش اصلی اینجا است... بقیه‌ی حرفها بهانه است تحریم، جنگ داخلی، ایجاد کودتا، بقیه‌ی چیزهایی که در این سالها [بوده]، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای...» (۹۲/۶/۲۶).

۳ - توجه به واقعیتها در کنار آرمانها و راهبردها: (و سَوْم) واقعیات، واقعیات را هم باید دید؛ ... آنچه (که) ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیتها است... آنچه که از واقعیتها موجب اقتدار است، آنها را باید شناخت؛ آنچه از واقعیتها که کمبود و نقص است، آنها را هم باید شناخت؛... وجود فکرهای برجسته، وجود عناصر فعال و مبتکر، رواج معرفت دینی و معنویت در بین بخش وسیعی از نسل جوان، بقاء شعارهای دینی و اسلامی، نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در عالم؛ اینها واقعیتهایی است که وجود دارد؛ این واقعیتها را هم باید دید. البته واقعیتهای تلخی هم در کنار این، مثل همه‌ی زندگی انسان که مخلوطی از شیرینی و تلخی است، وجود دارد؛ با تکیه‌ی به آن واقعیتهای شیرین و تقویت آنها، بایستی کوشش کرد برای اینکه واقعیتهای تلخ و نامطلوب زدوده بشوند یا کم بشوند. این سه عنصر را باید در نظر داشت؛ یعنی آرمانها را از نظر دور نداشت، راهبردها را نبایستی از نظر دور داشت، البته واقعیتها را هم باید دید. اگر چنانچه واقعیتها را نبینیم، راه را درست نخواهیم رفت؛ اما وجود واقعیتها هم نبایستی ما را از راه‌هایمان منصرف بکند (۹۲/۶/۱۴).

در واقع حفظ آرمانها و اهداف و همچنین بکارگیری راهبردهایی که به اهداف ختم می شوند نمونه بارزی از سیاست مبتنی بر دین می باشند. آیت الله خامنه ای در رابطه با راهبردها با اشاره به فرازی از سخنان حضرت علی (ع) و همچنین آیه ای از قرآن (لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ)، راهبردهای نظام جمهوری اسلامی را راهبردهایی مبتنی بر شرع و قواعد دینی معرفی کرده اند. بدین معنا که آرمانهای انقلاب اسلامی که همان «ایجاد تمدن اسلامی» است در سایه راهبردهایی چون تکیه بر اسلامیت، نفی ستمگری و ستم پذیری، مردم سالاری دینی و ... محقق می گردند به شرط اینکه در این راه واقعبینانه نیز مد نظر قرار گیرند و درک درستی از واقعیت ها وجود داشته باشد.

نتایج مقاله

انقلاب اسلامی به لحاظ خاستگاه فکری مبتنی بر اندیشه سیاسی شیعه، دارای مبانی مختلف فقهی است. حضرت امام خامنه ای به عنوان یک اندیشمند سیاسی و صاحب منصب ولایت فقیه و رهبری دینی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن دنبال کردن سیاست قطع رابطه با آمریکا که از سوی امام خمینی (ره) پایه ریزی مبنایی شده بود، با درک عمیقی از نوع رفتارهای خصمانه و سلطه طلبانه آمریکا در دنیای سیاست مخصوصاً در قبال ایران در دوران زعامت رهبری خود پا در عرصه روشنگری اذهان عمومی دنیا و مبارزه با استکبار و بر پایه مبانی فقهی چون نفی سبیل، اصل لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ، عدم هرگونه وابستگی از سوی ایران و نفی هرگونه سلطه از سوی آمریکا را لازم شمرده و سیاست قطع رابطه را در راستای تحقق این اهداف اتخاذ نموده اند.

بررسی مبانی نظری اندیشمند و فقیهی چون آیت الله خامنه ای از جنبه فقاقت ایشان از جمله محدود تحقیقاتی است که تاکنون به آن پرداخته شده است از طرفی نیز با توجه به اهمیت این موضوع در سطح جامعه کنونی ایران اسلامی و حتی سطح بین الملل ضرورت دارد به این موضوع از جنبه مبانی دینی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.



اینکه جنبه فقاقت اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری تا چه اندازه ای در ایجاد و یا عدم ایجاد رابطه با آمریکا نقش دارد می توان گفت بخشی از راهبردهایی که ایشان برای رسیدن به اهداف و آرمان های نظام اسلامی ایران بیان نموده اند، همان مبانی فقهی - سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی است که در این تحقیق به بخشی از آنها اشاره شد؛ بنابراین مبانی فقهی اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای ، به فرموده خود ایشان، بخشی از راهبردهای نظام جمهوری اسلامی در رسیدن به قله های پیشرفت است.

واقعیات پیش رو نیز همان موانعی است که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی دشمنان بر ایران تحمیل می گردد. مشکلاتی چون، تحریم ها، حمله های تبلیغاتی، کارشکنی در بحث فناوری هسته ای و... که مشکلات ناشی از آنها تأثیراتی بر معیشت مردم، صنعت و پیشرفت کشور دارد. اما براساس دیدگاه ایشان این واقیعت هرگز باعث نخواهد شد که ایران برای رسیدن به پیشرفت دست از آرمانها و راهبردهای اساسی خود بردارد.

براساس سند چشم انداز برنامه توسعه، ایران در سال ۱۴۰۴ بایستی به قدرت اول منطقه غرب آسیا تبدیل گردد و این در صورتی است که همان گونه که در عرصه علمی گامهای بلندی توسط دانشمندان ایرانی برداشته شده در زمینه های اقتصادی ، نظامی و صنعت هم باید توجه خاص صورت گیرد. با رسیدن به این نقطه از پیشرفت، ایران نه تنها به عنوان یک قدرت برتر اسلامی و بدون وابستگی به غرب و آمریکا، تبدیل به یک الگوی خودباوری در عرصه بین المللی می گردد بلکه به عنوان یک کشور تأثیرگذار، در منطقه غرب آسیا، از قدرت بالای چانه زنی در منطقه و جهان نیز برخوردار خواهد بود. و این امر باعث تغییر اجباری و طبیعی مواضع غرب و آمریکا در قبال ایران خواهد گشت.

بطور مثال: اگر تا دیروز (سال ۸۳ - ۸۲) آمریکا و غرب در مسئله هسته ای ایران فقط قائل به تعلیق هرگونه فعالیت هسته ای بودند اما همین مواضع در سال ۱۳۹۲ به تعلیق در بخش محدودی از فعالیتهای هسته ای تبدیل می گردد؛ این تغییر مواضع در واقع نتیجه پیشرفت چشمگیر و دور از انتظار ایران طی سالهای ۱۳۸۴ تاکنون در بخش فعالیت های



هسته ای بوده است که بدون هیچ انعطافی در برابر خواسته های آمریکا و غرب بلکه با آرمان گرایی واقع بینانه و پیش رو قرار دادن راهبردهای اسلامی بدست آمده است راهبردهایی چون نفی هرگونه سلطه بیگانگان، نفی ظلم و حمایت از مظلوم و ... مثالی که در بالا بازگو شد را می توان مصداق واقعی سخنان رهبر انقلاب دانست. لذا مبانی فقهی چون نفی سیل، نفی ستمگری و ستم پذیری و ... جایگاه والایی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته و بخشی از علل قطع رابطه با آمریکا محسوب می شوند .

پیشنهادها

کاربردی: با توجه به اهمیت موضوع رابطه ایران با آمریکا و گاهی به وجود آمدن برخی سؤالات در بین جوانان و دانشجویان در خصوص این موضوع، شایسته است محققین، صاحب نظران و اربابان جراید این موضوع را مورد توجه بیشتری قرار داده و اقدام به باز نمودن ابعاد مختلف رهنمودهای رهبر انقلاب نمایند. در این بین وزارت خارجه ایران، سفیران ایرانی در کشورهای دوست و حامی ایران و همچنین نمایندگی های ولی فقیه در دانشگاهها و دیگر ارگانها و همچنین صدا و سیما که مهمترین رسانه ارتباط جمعی محسوب می گردد وظیفه سنگینی پیرامون تنویر اذهان عمومی دارند؛ بنابراین شایسته است در برنامه کاری و مطالعاتی خود این موضوع بصورت خاص مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشی: با توجه به گستردگی دامنه موضوع مورد بحث، پرداختن کامل به آن در مجال یک مقاله نمی باشد؛ لذا پیشنهاد می گردد که پیرامون هر کدام از مبانی فقهی دیگر که بخشی از پایه های سیاست خارجی ایران را تشکیل می دهند در تحقیق های جداگانه ای مورد بررسی قرار گیرند و از طرفی نظرات و اندیشه های آیت الله خامنه ای نه تنها در عرصه فقه و سیاست بلکه در دیگر عرصه های علمی نیز قابل بررسی می باشند. بر پژوهشگران دیگر علوم است که در راستای معرفت و شناخت این اندیشه ها تحقیقات جامعی به عمل آورند.

منابع و مأخذ

۱. جمعی از مؤلفان. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام
۲. خلیلی، اسدالله. (۱۳۸۱). روابط ایران و آمریکا؛ بررسی دیدگاههای نخبگان آمریکایی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
۳. شبیری زنجانی. سید موسی (۱۴۱۹) کتاب نکاح: مؤسسه پژوهشی رای پرداز
۴. عمید زنجانی. عباس علی (۱۴۲۱) فقه سیاسی (عمید). تهران: انتشارات امیر کبیر
۵. فوزی تویسرکانی. یحیی (۱۳۸۹) اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). تهران: دفتر نشر معارف
۶. صدوق. محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۷. محقق داماد یزدی. سید مصطفی (۱۴۰۶) قواعد فقه (محقق داماد). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
۸. مراغی. سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷) العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. مکارم شیرازی. ناصر (۱۴۲۴) کتاب نکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)
۱۰. موسوی بجنوردی. سید محمد ۱۴۰۱. قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه عروج.
۱۱. موسوی خمینی، روح الله ۱۳۸۴. تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. سایتهای اینترنتی:
12. <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?page=1&p=bayanatArchive&year=1384>
۱۳. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با تعداد کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۱۳۶۸/۸/۱۰
۱۴. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار گروهی از معلمان و فرهنگیان و جمعی از

- کارگران در تقارن روز معلم و روز جهانی کارگر ۶۹/۲/۱۲
۱۵. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در آستانه سیزدهم آبان و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹
۱۶. بیانات آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز جمعه تهران ۷۶/۱۰/۲۶
۱۷. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار دانشجویان در سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ۷۸/۸/۱۲
۱۸. بیانات آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز جمعه تهران ۸۳/۸/۱۵
۱۹. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۸۳/۸/۲۴
۲۰. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
۲۱. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴
۲۲. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی (۸۹/۱۰/۱۹)
۲۳. پیام آیت الله خامنه ای به مناسبت آغاز به کار همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۹۰/۴/۳
۲۴. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در روز مبارزه با استکبار جهانی ۹۱/۸/۱۰
۲۵. بیانات آیت الله خامنه ای در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۲ - ۹۲/۱/۱
۲۶. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۲/۶/۱۴
۲۷. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۹۲/۶/۲۶
۲۸. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور در مصلاّی امام خمینی (ره) ۹۲/۸/۲۹